■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۲۶ شعبان ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۳۷۳ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Thursday - 2019 May 2

حدیث روز: تحف‌العقول

حضرت محمد(ص):
دنیا دوستی، ریشه هر خطایی است.

پلک احساس: سعدی

مرا به هیچ بدادی و من هنوز برآنم
که از وجود تو مویی به عالمی نفروشم

امروز در تاریخ:

- شهادت استاد مرتضی مطهری، روز معلم (۱۳۵۸ ش)
- درگذشت محمدرضا لطفی، موسیقیدان ایرانی (۱۳۹۳ ش)
- درگذشت لئوناردو داوینچی، نقاش، مجسمه‌ساز و معمار معروف ایتالیایی (۱۵۱۹ م)
- سقوط برلین، پایتخت آلمان در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۱ — غروب آفتاب: ۱۹/۵۱
اذان مغرب: ۲۰/۱۱ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۴
اذان صبح (فردا): ۴/۳۷ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۱

پیش‌بینی آب و هوا جمعه

تهران	ایلام	اردبیل	بوشهر	مشهد	گرگان	کرمان	یزد
۲۸ / ۱۹	۲۶ / ۱۶	۲۵ / ۱۰	۳۲ / ۲۳	۲۵ / ۱۲	۳۴ / ۱۶	۲۸ / ۱۱	۳۴ / ۲۱

حکمت ۲۴۳: نهج‌البلاغه

هرگاه پاسخ‌ها همانند و زیاد شد، پاسخ درست پنهان گردد.

خودنویس

یادداشتی از حامد عسکری
شاعر و نویسنده

اعترافات یک دانش‌آموز تخس به مناسبت روز معلم

سرکار خانم فروغ، معلم کلاس اول ابتدایی، من را ببخشید آن روزی که در دبستان ابوذر بم می‌خواستید دست من را از دست مادربزرگم جدا کنید و توی کلاس ببرید و من همان‌طور که عربده می‌زدم و تلاش می‌کردم دستم را از دست شما بیرون بکشم تلاشم بی‌نتیجه ماند و مجبور شدم دستتان را گاز بگیرم و کبودی‌اش مثل یک ماه‌گرفتگی یک هفته‌ای مهمان دست‌های کپل‌تان بود. جناب آقای کلانتری معلم کلاس پنجم، من خیلی برای شما آرزوی مریضی کردم، چون خیلی سختگیر بودید و خیلی گیر می‌دادید و خیلی تکلیف می‌گفتید. راستی موتور یاماها صدتان را هم من یکی دوبار پنچر کردم. حلال کنید. جناب آقای قمری معلم کلاس دوم، آن روزها ژیان برای خودش عزت و آبرویی داشت. شما ژیان داشتید یک ژیان سبز کله غازی. لنگ هم از دستتان نمی‌افتاد. همیشه ژیانتان برق می‌زد، یک قانونی در جهان هست که می‌گوید طرفت را با چیزی که دوست دارد اذیت و امتحان کن. من چراغ خطر عقب ژیان شما را با پاره آجر خاکشیر کردم. حلال کنید.

جناب آقای عبداللهی گل، آدم که درس جغرافی را این‌قدر سخت امتحان نمی‌گیرد استاد. به خدا پوشش گیاهی استپ و رودخانه‌های مهم اروپا هیچ به کارم نیامد در زندگی، البته مشکل شما نبودید مشکل نظام آموزشی بود که به دردمان نخورد. یک تخم‌مرغ توی شیشه جلوی پیکانتان کوبیدم. شستنش سخت بود ببخشید. اذیت شدید. جناب آقای فقیرآبادی، معلم ریاضی کلاس دوم راهنمایی! خب استاد جان پاکنویس ریاضی دیگر چه صیغه‌ای است؟ آن‌هم هر ثلث سی چهل صفحه، آن‌هم با خودکار، آن‌هم دورنگ؟ اقتصاد مقاومتی چی می‌شود؟ همین کارها را می‌کنید که دست به دامن این و آن بشویم. افسانه دخترخاله‌ام که تازه عروس بود و خیلی من را دوست داشت، مسؤول نوشتن این پاکنویس شد و انصافا هم همیشه بهش ۲۰ دادید. ولی خب بنده خدا می‌توانست همین وقتی که برای پاکنویس مشق‌های ریاضی من می‌کرد را صرف کارهای مفیدتری کند و به زندگی‌اش برسد.

تکمله: اینها همه شوخی‌هایی بود بر مرز بین تخیل و واقعیت. من خودم یک معلم‌زاده‌ام و نانی حلال‌تر از نان معلمی و شغلی شریف‌تر از آن یافت می‌نشود. خاک پای همه معلم‌های سرزمینم هستم که هرچه دارم و داریم از آنهاست. آدم یا معلم نمی‌شود یا اگر بشود با همه دلش می‌شود. معلمی صفر و یک ندارد. اتم و اکمل است. کسانی که در کسوت معلمی البته آن کار دیگر می‌کنند در این مقال مد نظر صاحب این قلم نیستند. معلمان نازنین سرزمینم روزتان مبارک و عمرتان طولانی و رزق‌تان سرشار و پر برکت....

روزگار متفاوت گربه‌های فلسطینی

دختران فلسطینی در غزه گربه‌های خیابانی را در خانه‌های خود پناه داده و به آنها غذا می‌دهند. به گزارش فرادید، به‌رغم مشکلات اقتصادی که مردم فلسطین در نوار غزه با آن روبه‌رو هستند، دختران داوطلب از گربه‌های ولگرد مراقبت می‌کنند. این دختران چند خانه را به پناهگاهی برای گربه‌ها تبدیل کرده و از گربه‌ها و بچه‌گربه‌ها با دادن غذا و همچنین خدمات پزشکی مراقبت می‌کنند.

مریم یکی از این دختران می‌گوید: ما شبکه گسترده‌ای از خانواده، دوستان و همسایگان را داریم که داوطلب پذیرش گربه هستند، اما ما تا مطمئن نشویم که آنها مراقبت خوبی خواهند داشت گربه را در اختیارشان قرار نمی‌دهیم.

گفت‌وگو با مهوش وقاری درباره روزهایی که معلم بود

دانش‌آموزها از من بزرگ‌تر بودند!

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

یکی از مهربان‌ترین آدم‌هایی است که می‌توان در این روزگار سراغش رفت و با او هم‌صحبت شد. صبر و حوصله‌اش آدم را شگفت‌زده می‌کند. گلایه نمی‌کند و اتفاقات زندگی‌اش را پذیرفته و همین پذیرش در او آرامشی به وجود آورده، حسرت‌برانگیز.

مهوش وقاری، همسر محسن قاضی‌مرادی است. هر دو بازیگر هم هستند. البته قاضی‌مرادی چند سالی است بیمار است و دیگر نمی‌تواند نقشی را بپذیرد و همسرش هم کمتر بازی می‌کند. او ترجیح می‌دهد، خودش از همسرش مراقبت کند. می‌گوید: دلم نمی‌آید تنهایش بگذارم، محسن سکته نکرده، دچار بیماری پارکینسون است. این بیماری بخش‌هایی از مغز را درگیر می‌کند و به مرور توانایی حرکتی را مختل می‌کند. بعضی‌ها فکر می‌کنند محسن سکته کرده یا آلزایمر گرفته و دیگر کسی را نمی‌شناسد! اما چنین نیست و او شاید نتواند به درستی صحبت کند اما حافظه‌اش را از دست نداده و دوستان و نزدیکانش را می‌شناسد. برای همین تلاش می‌کنم محسن را به مهمانی‌ها و جمع‌های دوستانه ببرم. دوست ندارم منزوی و خانه‌نشین شود.

معلم زبان متفاوت

مهوش وقاری که با بازی در فیلم نارونی وارد دنیای بازیگری شد در کارنامه خود آثاری مانند مجسمه، راز گل شب‌بو، زیر پوست شهر، پسر آدم دختر حوا، روزگار جوانی، دوردست‌ها و ... را دارد درباره حرفه بازیگری‌اش می‌گوید: خودم به دلیل بیماری محسن کم‌کارتر شده‌ام اما راستش دنیا عوض شده و آدم‌ها هم عوض شده‌اند و دیگر حرفه بازیگری مثل سابق حساب و کتاب ندارد. دو سه ماه قبل نقشی را پذیرفتم، قرارداد هم امضا کردم اما تا همین امروز هیچ خبری نشده، نمی‌دانم اصلا قرار هست کار کنند یا نه! حداقل می‌توانستند خبری بدهند!

مهوش وقاری ۶۵ ساله است و فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه تهران. درس سیاست خوانده اما معلم شده. معلم شدنش هم ماجرای جالبی دارد. می‌گوید: سال اول دانشگاه بودم در آن زمان دو گزینه داشتیم؛ یا به ما کمک هزینه تحصیلی می‌دادند یا کار کنیم و در قبالش حقوق بگیریم که من دومی را انتخاب کردم. یکی از کارها تدریس در مدرسه بود. سال ۵۱ به دبیرستان رفتم و به دانش‌آموزان کلاس دوازدهم زبان انگلیسی درس می‌دادم. بعضی از دانش‌آموزان از خودم بزرگ‌تر بودند! آن زمان کسانی که زبان خارجی بلد بودند تعدادشان زیاد نبود و آموزشگاه‌های زبان هم به اندازه امروز نبود. من از بچگی در انجمن ایران - انگلیس درس زبان خوانده بودم و وقتی به دانشگاه رسیدم زبان خارجی‌ام تکمیل بود. دانش‌آموزان اما رابطه خوبی با من داشتند و حرفم را گوش می‌دادند و اذیتم نمی‌کردند چون رابطه صمیمی با آنها داشتم. البته من همیشه از همکار و شاگردانم شانس داشته‌ام و فضای کاری و رابطه‌ام با آنها صمیمی بوده و هست.

معلم مادربزرگ‌ها

سال ۵۳ همچنان که تحصیل می‌کردم، استخدام آموزش و پرورش هم شدم البته در کادر اداری. اولین مدرسه‌ای که رفتم میدان خراسان بود که کلاس شبانه هم داشت و خانم‌های بزرگسال که به هر دلیلی از تحصیل جا مانده بودند، غروب‌ها می‌آمدند برای درس خواندن. در مقطعی معلم زبان مدرسه مشکلی پیدا کرد و نتوانست بیاید و مدیر پیشنهاد تدریس زبان به من داد البته بدون حقوق. قبول کردم چون تدریس را دوست داشتم. این دوره خیلی برایم جالب بود. خانم‌هایی که به مدرسه می‌آمدند هم درس می‌خواندند و هم تمام اتفاقات زندگی‌شان را برایم تعریف می‌کردند؛ شوهر و مادر و خواهر شوهر چه کردند و بقیه. زنگ تفریح فقط پای صحبت آنها می‌نشستم.

لیسانس که گرفتم به مدرسه‌ای در میدان بهارستان رفتم. انقلاب که شد دستور دادند خانم‌ها کادر اداری نباشند و فقط درس بدهند. این امتیاز را به من دادند که در مدرسه‌ای تدریس کنم که نزدیک خانه‌مان باشد. مرا به مدرسه رازی منطقه سه فرستادند که هنوز هم در خیابان ولیعصر بالاتر از میدان ونک دایر است. یکی از دیگر شانس‌هایم این بود که همیشه در مدارس خوب و اسم و رسم‌دار تدریس کردم. بعد از مدرسه رازی رفتم مدرسه هدف و بعد شهید رجایی. مدتی هم در مدرسه حضرت مریم که برای ارامنه بود کار کردم و بعد بازنشسته شدم.

سختی‌های تدریس مقطع راهنمایی

چه آنها که تجربه معلمی دارند و چه آنها که ندارند می‌گویند معلمی شغل خوبی است. از وقاری می‌پرسم به نظرتان چرا این حرفه این‌قدر محبوبیت دارد که می‌گوید: کلا کنار بچه‌ها و نوجوان‌ها بودن حس خوبی به آدم می‌دهد. آنها رو به جلو هستند و به تو انرژی می‌دهند اما به هرحال سختی‌های خودش را هم دارد؛ با تعداد زیادی بچه و نوجوان سر و کار داری که هر کدام روحیه خاص خود را دارند. من هم مقطع راهنمایی تدریس کرده‌ام هم دبیرستان. راهنمایی مقطع خاصی است. به نظر ما آنها هنوز بچه هستند اما آنها در درون از کودکی عبور کرده‌اند و خیلی احساس برتری و غرور دارند. با این گروه کار کردن خیلی سخت است. بسیار حساس می‌شوند باید مراقب شکنندگی احساسی آنها بود. هم باید با آنها دوست باشی و هم دقت کنی که آن‌قدر صمیمی نشوی که نتوانی آنها را مدیریت کنی.

به وقاری می‌گویم گاهی شنیده می‌شود که معلمی، دانش‌آموزی را کتک می‌زند، با این چیزهایی که شما گفتید آیا امکان دارد معلم کاسه صبرش لبریز شود و نسبت به رفتار یا گفتار دانش‌آموزی واکنش تندی نشان دهد؟

می‌گوید: کاسه صبر لبریز می‌شود، چون معلم‌ها هم آدم هستند. ما مگر در خانواده با نزدیکانمان دچار چالش و حتی بگو و مگو نمی‌شویم؟ اما معلم فرق دارد. او باید آن‌قدر از نظر روحی توانمند باشد که بتواند خودش را کنترل کند که کار به جای باریک نکشد.

می‌گویم آنچه واضح است هوش بالای بچه‌های امروزی است. در کنارش برخی بر این باورند که جسارت و عصیان نسل امروزی هم خیلی بیشتر از گذشته است. شما ارزیابی‌تان از دو سه نسل اخیر چیست؟

این بازیگر می‌گوید: اصلا قابل مقایسه نیستند. من چند سالی هست بازنشسته شده‌ام و دیگر تدریس نمی‌کنم اما دریافتم از بچه‌ها و دانش‌آموزان امروزی این است که بسیار جسورتر و عصیانگرتر از بچه‌های قدیم هستند. بچه‌های دوره ما حرمت‌ها را بیشتر نگه می‌داشتند و راستش به اندازه بچه‌های امروزی گستاخ نبودند. به همین دلیل همیشه دعا می‌کنم خدا به معلم‌ها صبر بدهد چون کار کردن در فضای مدارس امروزی صبر و تحمل بسیار زیادی می‌خواهد. باید به نسلی آموزش بدهی که از پدر و مادر به سختی تمکین می‌کنند چه برسد به معلم!

پنهان شدن لایک‌ها آغاز شد

اینستاگرام مخفی کردن لایک‌ها را برای تعدادی از کاربران شروع کرد. به گزارش فارس، براساس اطلاعات منتشرشده، برخی از کاربران این نرم‌افزار همراه در کانادا با پنهان شدن تعداد لایک‌های پست خود مواجه شده‌اند. قرار است تنها صاحب اکانتی که عکس را در این شبکه مجازی بارگذاری کرده است، قادر به دیدن تعداد لایک‌ها باشد. یکی از دلایلی که برای پنهان کردن تعداد لایک عکس‌ها ارائه شده است، جلوگیری از سوءاستفاده سایر سایت‌ها و اکانت‌های تبلیغاتی از اکانتی است که عکس‌هایشان با تعداد زیادی لایک مواجه می‌شوند.

رونمایی از تلویزیون عمودی

سامسونگ یک تلویزیون عمودی برای نسل جوان ابداع کرده است. این تلویزیون عمودی مجهز به میکروفون است تا دستورات صوتی کاربر را دریافت کند و دستیار هوش مصنوعی نیز در آن به‌کار رفته است.

به گزارش مهر، سامسونگ از نوع جدیدی از تلویزیون رونمایی کرده که به‌طور عمودی قرار می‌گیرد و تصاویر را نمایش می‌دهد. به این ترتیب تصاویر آن با محتوای تلفن همراه همخوان می‌شود. این تلویزیون که Sero نام دارد در کره جنوبی برای فروش عرضه می‌شود. سامسونگ این محصول را برای نسل جوان عرضه کرده زیرا آنها محتوای بیشتری را در گوشی‌های همراه و به طور عمودی تماشا می‌کنند. به گفته این شرکت، افراد جوان‌تر با نمایشگرهای عمودی آشنا هستند. البته می‌توان تلویزیون را به حالت افقی نیز تغییر وضعیت داد.

عکس: خبرگزاری دانشجو

نمایشگاه گل و گیاه، بوستان گفت‌وگو، تهران

ردپایی عجیب در هیمالیا

ارتش هند مدعی است که رد پای متعلق به یتی (Yeti)، موجود افسانه‌ای را در کوه‌های هیمالیا یافته است.

به گزارش فرارو، انتشار عکسی که ادعا شده جای پای یتی، موجود افسانه‌ای یا مرد برفی است در اکانت رسمی وابسته به ارتش هند، باعث استهزا و جوک ساختن کاربران شبکه‌های اجتماعی شد.

یک اکانت توییتر ارتش هند با حدود شش میلیون دنبال‌کننده، روز گذشته با انتشار عکس‌هایی نوشت که ردپاهای اسرارآمیزی از یتی یا مرد برفی در منطقه کمپ ماکولا در کوه‌های هیمالیا مشاهده شده است. درباره یتی یا مرد برفی و رد پایش روی برف در افسانه‌ها و ادبیات عامیانه منطقه هیمالیا و جنوب آسیا، قصه‌ها و روایت‌های زیادی وجود دارد و حتی درباره این موجود افسانه‌ای فیلم هم ساخته شده است. دو سال پیش محققان به طور رسمی اعلام کردند یتی وجود نداشته است. آنها معتقدند جاپاهایی که گفته شده به یتی تعلق دارد مربوط به نوعی خرس قهوه‌ای هیمالیایی بوده است.

تلاش برای یافتن یتی همچنان طی این سال‌ها ادامه داشته، اما آنها چیزی نتوانستند پیدا کنند و حتی یافته‌های جدید باعث نشده هواداران یتی ناامید بشوند. این افراد معتقدند یتی یا مرد برفی همچنان در رشته کوه هیمالیاست.

طول ردپاهای کشف شده ۸۱ سانتی متر و عرض آن ۳۸ سانتی متر است. این ردپاها در نزدیکی اردوگاه ماکالو در مرز نپال با تبت مشاهده شده است.

کشف پادزهر برای خطرناک‌ترین سم دنیا

محققان به‌تازگی موفق به کشف پادزهری برای زهر سمی‌ترین موجود جهان شدند. به گزارش فارس، «جعبه‌زیان»ها سمی‌ترین موجودات جهان هستند و نیش این جانور باعث ایجاد درد شدید، بافت‌مردگی پوست و در برخی موارد با ایست ناگهانی قلب منجر به مرگ می‌شود. در حال حاضر دانشمندان دریافتند که پادزهر سم این موجود، یک داروی کاهش‌دهنده کلسترول است. تیمی از دانشگاه استرالیا از ابزار ویرایش ژن «کریسپر» استفاده کردند تا ژن‌های مختلفی را در مجموعه بزرگی از سلول‌های انسان از بین ببرند. سپس آنان سم این موجود را به محلول حاوی این سلول‌های اصلاح‌شده وارد کردند؛ در حالی که این سم بسیاری از سلول‌ها را از بین برد، اما برخی دیگر از سلول‌ها جان سالم به در بردند. محققان سلول‌های بازمانده را مورد بررسی قرار دادند و متوجه شدند آنها فاقد پروتئینی به نام «ATP2B1» هستند. وجود این پروتئین برای تاثیرگذاری این سم روی بدن انسان، ضروری است.

از آنجا که این پروتئین برای فعال‌سازی نیاز به کلسترول دارد، برای از بین بردن آن می‌توان از داروهای کاهنده کلسترول استفاده کرد.